

بررسی عملکرد شریدان امریکایی، مستشار وزارت خواربار ایران (۱۳۲۱-۱۳۲۲ش)

نوع مقاله: پژوهشی

محمدبختیاری^۱

چکیده

یکی از پیامدهای اولیه اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم، کمبود و گرانی شدید ارزاق عمومی بود. دولت برای تهیه و توزیع مواد غذایی مورد نیاز مردم به قیمت مناسب، وزارتخانه مستقلی به نام خواربار تشکیل داد و شریدان امریکایی را به عنوان مستشار آن استخدام کرد. هدف پژوهش حاضر بررسی عملکرد شریدان در وزارت تازه تأسیس خواربار است و می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که شریدان در زمان حضور خود در ایران چه سیاست‌ها و اقداماتی را برای تهیه و توزیع خواربار انجام داد و عملکرد او در این حوزه چگونه ارزیابی می‌شود. یافته‌های پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است، نشان می‌دهد شریدان عملکرد موفقی در وزارت خواربار ایران نداشت. چنانکه این وزارتخانه خیلی سریع منحل و وظایف آن به وزارت دارایی منتقل شد و شریدان مجبور گشت قبل از اتمام مدت سه ساله قرارداد استخدامش، بدون آنکه مشکل ارزاق عمومی را حل کرده باشد، ایران را ترک کند. البته باید توجه داشت که شرایط بحرانی سال ۱۳۲۱ که ناشی از قحطی و خشکسالی شدید، شعله‌ور بودن آتش جنگ در اغلب جبهه‌ها، دخالت و کارشکنی نیروهای متفقین و سودجویان داخلی و اختلافات سیاسی میان دولت قوام، دربار و مجلس سیزدهم بود، در عملکرد ضعیف شریدان تأثیر داشت. واژگان کلیدی: شریدان، وزارت خواربار، جنگ جهانی دوم، اشغال ایران، مستشار خارجی.

Studying the Performance of American Sheridan, Consultant to the Ministry of Food of Iran (1942-1943)

Mohammad Bakhtiari²

Abstract

One of the primary consequences of Iran's occupation by the Allies in World War II was the shortage and high cost of common provisions. In order to provide and distribute the common provisions at reasonable prices, the government established an independent Ministry of Food and hired the American Sheridan as a consultant to the Ministry of Food. The present article seeks to investigate Sheridan's performance in the newly established Ministry of Food and to answer the question of measures and policies taken by Sheridan in order to provide and distribute food and to evaluate his performance in this office. The findings of the research, based on a descriptive-analytical method and archival data collection, show that Sheridan did not have a successful performance in the Ministry of Food. The ministry was dissolved within a short time and its responsibilities were transferred to the Ministry of Finance. Sheridan had to leave Iran before the end of his three years employment contract without succeeding to solve the problem of common provisions. Of course, it should be noted that the grave situation of 1321, caused by severe famine and drought, the continuation of the war on most fronts, the intervention and obstruction made by the allied forces and native profiteers, and political discords between the Qavam's government, the court, and the 13th parliament were effective on Sheridan's poor performance.

Keywords: Sheridan, Ministry of Food, World War II, Occupation of Iran, Foreign consultant.

۱. عضو هیات علمی گروه تاریخ، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. *تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۵/۲۹ * تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۷/۱۷

2. Faculty member of the history department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran,

Email: bakhtiari@hum.ikiu.ac.ir.

مقدمه

در طول تاریخ ایران تنها یک بار در فاصله زمانی مهر ۱۳۲۱ تا تیر ۱۳۲۲ وزارتخانه‌ای با عنوان «خواربار»، با هدف تهیه و توزیع ارزاق مورد نیاز مردم در زمان جنگ جهانی دوم، ایجاد شده و شریدان^۱ امریکایی نیز، به‌عنوان مستشار، در این وزارتخانه استخدام شده است. جالب اینکه زمان تأسیس و انحلال وزارت خواربار با دوره حضور شریدان در ایران (مهر ۱۳۲۱ تا شهریور ۱۳۲۲) تقریباً همزمان است و شریدان در تدوین ساختار و برنامه‌های وزارتخانه در زمان تأسیس، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان آن در طول کار و توصیه به انحلال آن در انتها نقش عمده‌ای داشت. بنابراین، این دو مقوله ارتباط بسیار تنگاتنگی با هم دارند و در بررسی عملکرد شریدان باید به وضعیت و سرنوشت وزارت خواربار نیز توجه ویژه‌ای داشت. نکته دیگر اینکه در زمان حضور کمتر از یک سال شریدان در ایران، وضعیت سیاسی بی‌ثبات بود، تا جایی که دو نخست‌وزیر روی کار آمدند: ابتدا احمد قوام (قوام‌السلطنه) از ۱۸ مرداد ۱۳۲۱ تا ۲۴ بهمن همان سال و بعد علی سهیلی از ۲۸ بهمن ۱۳۲۱ تا ۲۷ اسفند ۱۳۲۲. در طول این مدت دو نفر هم به وزارت خواربار منصوب شدند: ابتدا سید مهدی فرخ (معتصم‌السلطنه) که در ۳۰ شهریور ۱۳۲۱ از طرف قوام به‌عنوان نخستین وزیر خواربار ایران به شاه معرفی شد و تا آخر دولت او بر سر کار بود و سپس سید محمد تدین آخرین وزیر خواربار ایران از ۱۳ اسفند ۱۳۲۱ تا زمان انحلال وزارت خواربار در ۲۳ تیر ۱۳۲۲. در طول این دوره کوتاه که دولت‌های مستعجلی روی کار بودند، میان دربار، مجلس و دولت اختلاف شدیدی وجود داشت که در بروز و تداوم بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و عملکرد شریدان بی‌تأثیر نبود. نمونه بارز آن غائله ۱۷ آذر ۱۳۲۱ است که در ابتدا با اعتراض به کمبود و گرانی نان و خواربار شروع و در ادامه به صحنه زورآزمایی رقبای قدرت تبدیل شد. در چنین شرایطی، نیروهای اشغالگر خارجی نیز که مسبب اصلی شرایط بحرانی موجود بودند و با خرید و مصرف و قاچاق غله ایران، کشور را با قحطی و گرانی مواجه ساخته بودند، می‌کوشیدند با حمایت از احزاب و گروه‌های سیاسی، قومی و مذهبی منافع خودشان را حفظ کنند. استخدام مستشارانی از امریکا، به سفارش همین مهمانان ناخوانده، نیز در ظاهر برای اصلاح امور مالی و نظامی ایران و رهایی مردم از مصائب ناشی از جنگ، اما در اصل برای حفظ نظارت آنها بر شریان‌های اقتصادی و ارتباطی ایران بود. استخدام شریدان امریکایی، به‌عنوان یکی از اولین مستشاران مالی، در همین چارچوب قابل ارزیابی است؛ مستشاری که ظاهراً قرار بود با حضور در وزارت تازه‌تأسیس خواربار، اصلی‌ترین بحران اقتصادی ناشی از جنگ، یعنی کمبود و گرانی ارزاق عمومی، را سر و سامان دهد. ارزیابی عملکرد او در دوره حضورش در ایران موضوع پژوهش

1. Joseph P. Sheridan

حاضر است. برای بررسی این موضوع از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، به خصوص روزنامه‌اطلاعات، استفاده می‌شود. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است.

بنا به بررسی نگارنده این سطور، تاکنون هیچ تحقیق جامعی در قالب پایان‌نامه، کتاب یا مقاله دربارهٔ عملکرد شریدان و وزارت خواربار انجام نشده است. تنها مسعود آدینه‌وند در یادداشتی با عنوان «جنگ، کمبود آذوقه و خواربار در ایران: گام‌های اولیهٔ تشکیل وزارت خواربار» در روزنامهٔ ایران (۱۳۹۷/۷/۷) و فرشته جهانی در مطلبی با عنوان «دربارهٔ وزارت خواربار: وزارتخانه‌ای برای برون‌رفت از بحران مواد غذایی» در خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۸/۷/۳۰)، به صورت مختصر، به تشکیل وزارت خواربار اشاره کرده‌اند. علاوه بر این، در برخی از تحقیقاتی که دربارهٔ بحران نان و مواد غذایی در جنگ جهانی دوم انجام شده، مطالبی کوتاه و پراکنده، در حد یکی دو بند، در مورد وزارت خواربار یا شریدان آمده است که از جملهٔ این پژوهش‌ها می‌توان به کتاب جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در جنگ جهانی دوم تألیف مرتضی دهقان‌نژاد و الهام لطفی و مقالهٔ «غلات و زندگی اجتماعی مردم ایران در جنگ جهانی دوم» نوشتهٔ حسین آبدیان اشاره کرد. در هیچ یک از این تحقیقات عملکرد شریدان به صورت علمی و تخصصی بررسی نشده است. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که پژوهش حاضر اولین تحقیق جامع و علمی در مورد عملکرد شریدان امریکایی در وزارت خواربار ایران است و از این بابت دارای نوآوری است.

تشکیل وزارت خواربار در ایران

با اشغال ایران از سوی متفقین در جنگ جهانی دوم و استعفای رضاشاه، رشتهٔ امور سیاسی، اقتصادی و امنیتی ایران گسسته شد و کشور با نابه‌سامانی و بحران شدید مواجه گشت. در حوزهٔ اقتصادی، مهم‌ترین مشکل کمبود و گرانی خواربار بود که دلایل مختلفی داشت.^۱ محمد ساعد مراغه‌ای، وزیر امور خارجهٔ ایران، در نامه‌ای به بولارد، سفیر انگلیس در ایران، هشت عامل را از دلایل اصلی کمبود خواربار برمی‌شمرد و از متفقین برای حل مشکل خواربار درخواست کمک می‌کند: ۱. آشفتگی و حوادث کشور در پاییز ۱۳۲۰ که باعث ترس و بی‌انگیزگی کشاورزان برای زراعت شد؛ ۲. کمبود بارندگی و خشکسالی در سال آبی ۱۳۲۰ و نقصان شدید در محصول خرمن ۱۳۲۱؛ ۳. قاچاق بخشی از محصول به خارج به خاطر فقدان نیروی نظامی دولت در مرز و عدم اجرای مقررات گمرکی؛ ۴. استفادهٔ عدهٔ زیادی از نیروهای متفقین و مهاجران لهستانی از خواربار ایران؛ ۵. اشتغال حدود هفتاد هزار روستایی در عملیات راه‌سازی

۱. حسین مکی، تاریخ بیست‌سالهٔ ایران، ج ۸ (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳)، ص ۲۶۷؛ حمید شوکت، در تیررس حادثه: زندگی سیاسی قوام‌السلطنه (تهران: نشر اختران، ۱۳۸۶)، ص ۱۸.

متفقین و دوری آنها از زراعت؛ ۶. خرید و احتکار بخشی از محصول توسط دلالان و سودجویان؛ ۷. عدم فروش محصول توسط مالکان و زارعان به دولت با قیمت دولتی که کمتر از نصف قیمت بازار بود؛ ۸. کمبود کامیون، لاستیک و دیگر وسایل حمل و نقل برای انتقال خواربار به مناطق قحطی زده.^۱ دولت برای حل مشکل آذوقه مردم، در همان ابتدای اشغال کشور، کمیته‌ای به نام خواربار تشکیل داد که در کنار شرکت‌های پخش کالاهای انحصاری سابق، به کارکنان ادارات و تعدادی از مردم شهر تهران و برخی از شهرهای دیگر حواله قند و شکر و چای و برنج می‌داد. اما با گذر زمان، نه تنها از مشکل تهیه و توزیع خواربار کاسته نشد، بلکه به دلیل کمبود بارش در نیمه دوم سال ۱۳۲۰ و بهار سال ۱۳۲۱ و همچنین رواج احتکار، قاچاق، ناامنی و کمبود وسایل حمل و نقل، بر میزان تورم و گرانی کالاها افزوده شد و دولت با مشکل بزرگی روبه‌رو گردید.^۲ به همین خاطر، زمانی که احمد قوام السلطنه مأمور تشکیل دولت شد و در ۱۸ مرداد ۱۳۲۱ اعضای کابینه خود را به مجلس معرفی کرد، از تشکیل وزارتخانه جدیدی به نام خواربار سخن گفت تا از طریق آن بتواند اصلی‌ترین مشکل اقتصادی کشور، یعنی کمبود و گرانی ارزاق، را حل نماید.^۳ قوام السلطنه ظاهراً به خاطر مخالفت شوروی و انگلیس با انتخاب مهدی فرخ برای منصب وزارت خواربار، با تأخیر حدوداً چهل روزه و در ۳۰ شهریور ۱۳۲۱ او را به شاه معرفی کرد.^۴ فرخ از همان ابتدا و قبل از اینکه لایحه وزارت خواربار به تصویب مجلس برسد، در اداره خواربار مشغول کار شد. او در ۵ مهر شریدان امریکایی را که بحث استخدامش از مدت‌ها قبل مطرح شده بود، به‌عنوان مستشار خواربار به نخست‌وزیر معرفی کرد و شریدان به مطالعه در طرز تشکیل و سازمان وزارت خواربار پرداخت.^۵ سرانجام در ۳۰ مهر ۱۳۲۱ لایحه تأسیس وزارت خواربار به مجلس ارائه و تصویب شد.^۶

۱. اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، به کوشش علیرضا روحانی و ابوالفضل ایزدی‌زاده، ج ۳ (تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۹)، ص ۲۶۶-۲۶۷.

۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شماره سند ۳۱۰/۰۰۲۷۹۷ (۱۳۲۱/۱۰/۱)، ص ۳؛ ایران در اشغال متفقین: مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۳۴-۱۳۱۸، به کوشش صفاءالدین تبریزیان (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱)، ص ۳۵۵.

۳. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی و اسلامی، نسخه دوم، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی، دوره ۱۳، جلسه ۷۹.

۴. مهدی فرخ (معتصم السلطنه)، خاطرات سیاسی فرخ (معتصم السلطنه): تاریخ پنجاه ساله معاصر ایران (بی‌جا: جاویدان، بی‌تا)، ص ۵۲۹-۵۳۰.

۵. اطلاعات، ش ۵۰۱۰ (۱۳۲۱/۷/۶)، ص ۱.

۶. متن قانون اجازه تأسیس وزارت خواربار: ماده واحد- دولت مجاز است برای تمرکز امور خواربار و تأمین آذوقه کشور وزارتت به نام وزارت خواربار تأسیس نماید. وزارت خواربار مکلف است سازمان و بودجه تفصیلی خود را پس از آزمایش تا آخر آذرماه ۱۳۲۱ با موافقت وزارت دارایی به مجلس شورای ملی تقدیم نماید. حقوق کارمندان و هزینه‌های ضروری وزارت خواربار تا آخر آذرماه ۱۳۲۱ از محل اعتبارات قسمت اقتصادی وزارت دارایی بر طبق درخواست وزیر خواربار و حواله وزارت دارایی و از اول دی‌ماه ۱۳۲۱ طبق بودجه تقدیمی به مجلس و پس از تصویب مجلس مطابق بودجه مصوبه پرداخت خواهد شد و نیز دولت مجاز است هر یک از ادارات اقتصادی وزارت دارایی و شعب مربوطه به آن را که صلاح بداند با بودجه و اعتبارات و اختیاراتی که فعلاً دارند به وزارت خواربار و یا به وزارتخانه‌های دیگر انتقال دهد. تبصره- حوائج وزارت خواربار به وسائط نقلیه و لوازم آن مقدم بر کلیه حوائج اشخاص و ادارات دیگر خواهد بود و وزارت راه مکلف است هر مقدار واگن راه‌آهن که مورد احتیاج وزارت خواربار باشد به تشخیص و تقاضای وزارت خواربار مقدم بر تمام تقاضاها و محمولات شناخته و در اختیار وزارت خواربار بگذارد و نیز کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و شرکت‌ها و بنگاه‌ها مکلف‌اند درخواست‌های وزارت خواربار را در خصوص وسائط نقلیه و لوازم آن مقدم بر هر حاجت دیگر قبول نموده و به موقع اجرا بگذارند. این قانون که مشتمل بر یک ماده است، در جلسه سی‌ام مهرماه یک هزار و سیصد و بیست و یک به تصویب مجلس شورای ملی رسید. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۹۹.

استخدام شریدان در وزارت خواربار

در زمان حکومت قاجارها در ایران، این دیدگاه در میان برخی از رجال سیاسی و دیگر افراد جامعه مطرح بود که برای اصلاح امور اقتصادی و نظامی کشور و رشد و توسعه آن باید متخصصان و مستشارانی از کشورهای خارجی استخدام کرد. بر همین مبنا، گاه از روسیه و انگلیس و گاه از کشور ثالثی مانند فرانسه و اتریش مستشارانی به ایران آورده می‌شد. در دوره پهلوی نیز این دیدگاه کم و بیش ادامه یافت، اما این بار بیشتر به استخدام متخصصان آلمانی تمایل وجود داشت، موضوعی که مورد پسند دو همسایه شمالی و جنوبی ایران، یعنی شوروی و انگلیس، نبود. چنانکه آنها در جنگ جهانی دوم حضور همین مستشاران آلمانی را بهانه‌ای برای اشغال ایران قرار دادند.^۱ این بار، در زمان حضور متفقین در ایران، استخدام مستشارانی از امریکا برای سر و سامان دادن به اوضاع آشفته مالی، اداری و نظامی کشور در کانون توجه دولتمردان ایرانی قرار گرفت. انگلیس و شوروی هم که خودشان سابقه خوبی در ایران نداشتند و فضا را برای تحمیل مستشارانی از کشور خودشان مناسب نمی‌دیدند، از استخدام مستشارانی از کشور متحدشان امریکا حمایت کردند تا به این طریق بتوانند جریان امور کشور را مطابق میل خودشان پیش ببرند و منافع خود را در ایران حفظ نمایند.^۲ در چنین فضایی بود که مستشاران امریکایی همچون شریدان، میلیسپو و دیگران وارد کشور شدند و کنترل اوضاع را به دست گرفتند.

لایحه استخدام شریدان ابتدا در سوم شهریور ۱۳۲۱ از طرف باقر میرکاظمی، وزیر دارایی وقت، تقدیم مجلس شورای ملی شد؛ با این استدلال که جمع‌آوری و توزیع کالا در اداره کل خواربار باید طبق قواعد صحیح و منظمی انجام گیرد و آقای شریدان که از طرف سفارت ایران در امریکا انتخاب و معرفی شده است، برای این کار از هر جهت شایسته به نظر می‌رسد.^۳ بدین ترتیب، در ۵ مهر ۱۳۲۱ و در حالی که هنوز لایحه استخدام شریدان در مجلس تعیین تکلیف نشده بود، او وارد کشور شد و از طرف فرخ، نامزد وزارت خواربار، به نخست‌وزیر معرفی گشت و همان روز به همراه وزیر از سیلوی تهران و انبار غله بازدید کرد تا ضمن اطلاع از وضعیت موجود، برنامه‌ها و پیشنهادات خود را برای حل مشکل خواربار و جیره‌بندی اعلام نماید و وزیر خواربار براساس پیشنهادهای و نظریات تخصصی او سازمان جدید وزارت را تشکیل دهد.^۴ با تصویب و تشکیل وزارت خواربار، لایحه استخدام شریدان یک بار دیگر در ۲۴ آبان ۱۳۲۱ به مجلس داده شد و با موافقت اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان به تصویب رسید. براساس

۱. همایون الهی، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، چ ۳ (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹)، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ محمد خان ملک (یزدی)، ارزش مساعی ایران در جنگ ۱۹۳۹-۱۹۴۵ (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۵۶-۵۷.

۲. اطلاعات، ش ۵۶۴۴ (۱۳۳۳/۹/۲۹)، ص ۴؛ ایرج ذوقی، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، چ ۲ (تهران: پازنگ، ۱۳۶۸)، ص ۱۶۳-۱۶۵.

۳. مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۸۳.

۴. اطلاعات، ش ۵۰۱۰ (۱۳۲۱/۷/۶)، ص ۱.

مصوبه مجلس، به دولت اجازه داده شد تا مستر شریدان، تابع دول متحده امریکای شمالی، را از تاریخ ورود به تهران به مدت سه سال برای مستشاری وزارت خواربار استخدام نماید.^۱

اقدامات شریدان، مستشار وزارت خواربار

از لحاظ سلسله‌مراتب اداری، شریدان به‌عنوان فردی متخصص به استخدام وزارت خواربار درآمده بود تا از تجربیات و اطلاعات او در تهیه و توزیع ارزاق عمومی در شرایط بحرانی کشور استفاده شود. اما در واقع او، مانند بسیاری از مستشاران خارجی، سعی داشت کنترل این دستگاه را در اختیار بگیرد و جریان امور را مطابق نظر خود و دولت متبوعش پیش ببرد. این موضوع در تغییر کلمه «مستخدم» به «مستشار» در لایحه ارائه‌شده دولت به مجلس نمایان بود که هرچند مورد اعتراض برخی از نمایندگان قرار گرفت، در نهایت، مطابق خواست شریدان، کلمه مستشار که دربردارنده اختیارات بیشتر بود، تصویب شد.^۲ علاوه بر این، متفقین با حمایت از مستشاران خارجی که عامل و مجری اصلی سیاست‌های آنها در امور داخلی ایران بودند، زمینه را برای یکه‌تازی آنها فراهم می‌کردند، طوری که مستشاران به تصمیم‌گیر اصلی در حوزه کاری خود تبدیل می‌شدند و با قدرت و اختیارات فراتر از جایگاه قانونی‌شان، نظرات خود را تحمیل می‌کردند.^۳ شریدان نیز که در یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اقتصادی استخدام شده بود، از این قاعده مستثنا نبود. بنابراین، می‌توان گفت در دوره تقریباً یک ساله‌ای که شریدان در ایران بود، بیشتر تصمیمات اصلی وزارت خواربار با رأی و نظر او گرفته شد و میزان موفقیت یا ناکامی این وزارتخانه، در درجه نخست، به عملکرد شریدان بستگی داشت. فرخ‌السلطنه که وزیر خواربار و قانوناً مافوق شریدان بود، در مورد دخالت خارجی‌ان در امور وزارتخانه می‌نویسد: «من وزیر خواربار کشوری بودم که همه وسایل کارش در دست بیگانگان بود.»^۴

نکته دیگر اینکه متفقین هر نوع کمک و همکاری خود را در تهیه و توزیع خواربار به گزارش و تأیید شریدان مشروط کرده بودند و این موضوع بر اهمیت جایگاه او می‌افزود.^۵ در مقابل، شریدان نیز منافع متفقین را در اولویت قرار می‌داد و به جای انتقاد از حضور اشغالگرانه و اقدامات غیرقانونی آنها در استفاده

۱. قانون استخدام شریدان، مستشار وزارت خواربار: ماده ۱- دولت مجاز است آقای شریدان، تابع دول متحده امریکای شمالی، را از تاریخ ورود به طهران به مدت سه سال برای مستشاری وزارت خواربار استخدام نماید. ماده ۲- حقوق آقای شریدان در سال ۱۲۵۰۰ دلار خواهد بود که ده هزار دلار آن به اقساط دوازده‌گانه به خانواده او در امریکا و دو هزار و پانصد دلار بقیه به ریال در مدت دوازده‌ماه به خود او در ایران پرداخته می‌شود. ماده ۳- مبلغ ۱۷۵۰ دلار بابت هزینه سفر آقای شریدان از امریکا به ایران تأدیه و همچنین هزینه مراجعت او از ایران به امریکا پرداخته خواهد شد. بنگرید به: مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۳، جلسه ۱۰۹.

۲. همان، دوره ۱۳، جلسه ۱۰۹.

۳. کیهان، ش ۵۱ (۱۳۲۱/۵/۲)، ص ۱.

۴. فرخ، ص ۵۳۲.

۵. اطلاعات، ش ۵۰۷۴ (۱۳۲۱/۹/۱۴)، ص ۱: اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ج ۳، ص ۲۶۴.

از غلات و امکانات ایران، از تلاش صادقانه و صمیمانه‌شان برای کمک به مردم ایران در تأمین مایحتاج خود سخن می‌گفت. او در اولین مصاحبه خود با مطبوعات در ۲۰ مهر ۱۳۲۱ می‌گوید:

اینجانب پیش از آنکه میهن خویش را ترک گویم اطمینان حاصل کردم بر اینکه متفقین هرگز نخواهند گذارد ملت ایران از وضعیاتی که پیش آمده و البته مسئول آن وضعیت هم علت نامبرده نبوده است دچار رنج و تعب گردد. بدبختانه موقعیت جغرافیایی ایران طوری است که دول متفقین را ناگزیر ساخته است شوارع و راه‌آهن شما را برای رسانیدن مهمات به روسیه به کار برند... لذا تذکار این حقیقت و اطمینان هم به‌جا خواهد بود که کشورهای متحد امریکا و بریتانیای کبیر صمیمانه آرزومندند که از تمام راه‌ها و وسایل ممکنه به شما امداد و مساعدت نمایند.^۱

شریدان به جای انتقاد از متفقین که مسبب اصلی تمام فجایع بودند، مردم را به صبر و قناعت توصیه می‌کرد و با آوردن مصادیقی از کمبود و قحطی در سایر کشورها و اشاره به صبر و تحمل مردم آنها در مقابل شدائد و کمبودها، ایرانیان را به الگوگیری از آنها توصیه می‌کرد.^۲ او با چنین افکار و اندیشه‌ای و با حمایت آشکار و نهان متفقین و در هماهنگی کامل با آنها، اقداماتی را در وزارت خواربار انجام داد که نه تنها چندان نفعی برای ایران نداشت، بلکه در مواردی به پیچیده و بحرانی شدن اوضاع انجامید. البته نباید از نظر دور داشت که شریدان در بدترین زمان ممکن به ایران آمد و این موضوع در عملکرد او تأثیر منفی داشت. در طول دوره اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، سال ۱۳۲۱ بدترین سال از لحاظ کمبود و گرانی خواربار بود. در این سال به دلیل گسترش قحطی و خشکسالی و ناامنی و بی‌انگیزگی زارعان در کشت محصول و همچنین شدت یافتن جنگ در جبهه‌های مختلف، نارضایتی و شورش مردم در شهرهای مختلف، از جمله پایتخت، به خاطر کمبود و گرانی نان و خواربار به اوج خود رسید و با فرارسیدن زمستان و فقدان وسایل حمل و نقل لازم و کافی، امیدی به بهبود شرایط نبود. شریدان در چنین وضعیتی به ایران آمد و بدون شک، در سیاست‌گذاری و عملکرد خود از این شرایط تأثیر پذیرفت.

افزودن بر قیمت دولتی کالاها

شریدان در اولین مصاحبه خود با مطبوعات از وضع مقررات جدیدی در تعیین بهای خرید و فروش گندم سخن گفت که هیئت دولت با توصیه او به تصویب رسانده است. براساس مصوبه دولت، قیمت گندم از ۱۸۰۰ ریال برای هر تن به ۳۵۰۰ ریال افزایش یافت تا مالکان رغبت بیشتری برای فروش محصول

۱. اطلاعات، ش ۵۰۲۲ (۱۳۲۱/۷/۲۱)، ص ۱.

۲. همان، ش ۵۰۷۱ (۱۳۲۱/۹/۱۱)، ص ۱.

خود به دولت داشته باشند و جلو احتکار و قاچاق گندم گرفته شود. همچنین قیمت تضمینی خرید گندم برای سال بعد ۲۸۰۰ ریال تعیین شد و هر نوع معامله گندم، جز از طرف عاملین وزارت خواربار یا میان رعایای دهات، ممنوع اعلام شد. بهای خرید تضمینی گندم در حالی از طرف دولت افزایش یافت که بهای نان به دلیل بدی وضعیت و ناتوانی مالی مردم، در همان قیمت سابق، یعنی کیلویی یک ریال و بیست دینار، ثابت ماند.^۱ افزایش قیمت گندم شاید در نگاه اول برای جلوگیری از احتکار و قاچاق گندم و ترغیب مالکان و زارعان به افزایش زراعت و تحویل محصولات خود به دولت اقدام خوبی بود، اما در حقیقت آثار سوئی نیز داشت و باعث وخامت بیشتر اوضاع شد. زیرا دولت مجبور بود گندم را به قیمت ۳۵۰۰ ریال بخرد که با هزینه‌های جانبی به بیش از ۴۰۰۰ ریال در هر تن می‌رسید و بعد آن را ۱۷۵۰ ریال به نانو بفروشد و مابه‌التفاوت آن را که ماهیانه بالغ بر ۶۰ میلیون ریال می‌شد، از خزانه عمومی بپردازد. اما دولت در خزانه چنین پولی را نداشت. از این رو، مجبور به انتشار اسکناس و اخذ وام بود و این کار را هم چندین بار انجام داد که باعث تورم و گرانی شدید در جامعه شد.^۲ اقدام دیگر دولت، افزودن بهای نان و دیگر کالاهایی بود که با قیمت یارانه‌ای به مردم تحویل داده می‌شد، تا از این طریق از مقدار یارانه دولتی کاسته شود. بر همین مبنا، در سوم آبان ۱۳۳۱، به توصیه شریدان، قیمت فروش نان دولتی از ۱,۲۰ ریال به ۲ ریال در هر کیلو افزایش یافت،^۳ حال آنکه دو هفته قبل از آن، شریدان از ثابت نگه داشتن قیمت نان برای مراعات حال مردم فقیر سخن گفته بود. با افزایش بهای گندم و به دنبال آن قیمت نان که قوت اصلی مردم محسوب می‌شد، بر قیمت سایر کالاها نیز افزوده شد. خبرنگار شهری روزنامه اطلاعات با بیان اینکه «روز به روز و ساعت به ساعت بهای اجناس تحت تأثیر همین موضوع [انتشار اسکناس] و عوامل دیگر از قبیل ترقی نرخ گندم و نان بالا می‌رود» مشاهدات خود را از میزان افزایش قیمت اجناس به شرح زیر بیان کرده است.

آمار و ارقام جدول بالا نشان می‌دهد بر اثر سیاست‌های وزارت خواربار در ارائه لایحه انتشار ۵۰۰ میلیون ریالی اسکناس و افزایش قیمت دولتی گندم و نان، در طی ۲۰ روز قیمت کالاها به طور میانگین بیش از ۵۰ درصد بالا می‌رود و این نشان از عملکرد ضعیف شریدان در اوایل فعالیت خود در تثبیت و کاهش قیمت خواربار دارد. البته این بدان معنی نیست که اصل و ماهیت سیاست شریدان و وزارت خواربار اشتباه بوده است، بلکه زمان و نحوه اجرای آن طوری بود که تورم و گرانی زیادی را در پی داشت، و الا شریدان برای کاستن از ضرر دولت در پرداختن مابه‌التفاوت قیمت خرید و فروش نان و دیگر کالاهای

۱. همان، ش ۵۰۲۲ (۱۳۳۱/۷/۲۱)، ص ۱.

۲. همان، ش ۵۰۲۴ (۱۳۳۱/۷/۲۳)، ص ۱ و ش ۵۰۴۰ (۱۳۳۱/۷/۹)، ص ۱؛ *ایران در اشغال متفقین*، ص ۴۸۷.

۳. *اطلاعات*، ش ۵۰۳۴ (۱۳۳۱/۷/۳)، ص ۱.

جیره‌بندی شده، چاره‌ای جز افزایش قیمت دولتی کالاها نداشت. به همین خاطر، او در ادامه کار نیز بارها افزایش قیمت اجناس جیره‌بندی را از طریق وزارت خواربار به دولت پیشنهاد داد که اغلب به تصویب هیئت دولت رسید. مثلاً در ۲۷ اسفند ۱۳۲۱ مبلغی بر قیمت قند و شکر کوپنی افزوده شد و در ۲ خرداد ۱۳۲۲ قیمت نان دولتی از ۲ ریال به ۳ ریال در هر کیلو افزایش یافت.^۱ اما چون در این زمان میزان موجودی کالاهای مزبور بیشتر از چند ماه پیش بود، تأثیر چندانی بر افزایش قیمت سایر اجناس نداشت.

جدول ۱. نرخ خواربار در تاریخ ۱۵ مهر و ۶ آبان ۱۳۲۱

نوع کالا	مقدار	۱۵ مهر ۱۳۲۱	۶ آبان ۱۳۲۱	ترقی ۲۰ روزه
برنج دم‌سیاه	۳۰۰ کیلو	۲۴۰۰ ریال	۳۲۰۰ ریال	۲۹ درصد
برنج صدی ۲	۳۰۰	۱۹۵۰	۲۸۰۰	۴۰
آرد گندم	۳۰۰	۱۶۰۰	۲۱۰۰	۳۵
لوبیای سفید	۳۰۰	۱۰۰۰	۱۸۰۰	۸۰
نخود اعلی	۳۰۰	۱۶۵۰	۲۲۵۰	۳۶
نخود وسط	۳۰۰	۱۵۰۰	۲۱۵۰	۴۳
پیاز	۳۰۰	۳۵۰	۹۰۰	۱۵۰
سیب‌زمینی	۳۰۰	۹۰۰	۱۶۰۰	۸۵
لپه اعلی	۳۰۰	۱۷۰۰	۲۵۰۰	۴۷
عدس درجه ۱	۳۰۰	۱۶۰۰	۲۳۰۰	۴۴
روغن اعلی	۳ کیلو	۱۲۳	۱۶۵	۳۳

گسترش حوزه انحصار و جیره‌بندی کالاهای اساسی

انحصار و جیره‌بندی کالاهای اساسی، مانند قند و شکر، از زمان قبل از ورود شریدان به ایران آغاز شده بود و در دوره حضور او نیز ادامه یافت و بر تعداد آن افزوده شد. شریدان، در همان نخستین دیدار خود با مدیران جراید و نمایندگان مطبوعات، از تصمیم دولت برای اجرای دقیق و شدید قانون جلوگیری از احتکار سخن گفت و هر نوع معامله گندم را، جز از طرف عاملین وزارت خواربار و یا میان اهالی یک روستا، ممنوع و قاچاق اعلام کرد. به این ترتیب، خرید گندم به انحصار دولت درآمد. اما چون بین قیمت دولتی خرید گندم و نان عرضه شده به مردم فاصله زیادی وجود داشت، در زمان اجرا اشکالات زیادی به وجود آمد. برخی از روستاییان اطراف شهرها گندم خود و حتی بذر سال بعد را فروختند و برای خرید نان

۱. اطلاعات، ش ۵۱۷۷ (۱۳۲۲/۳/۲)، ص ۱.

۲. همان، ش ۵۰۳۹ (۱۳۲۱/۸/۹)، ص ۱.

ارزان قیمت به نانوائی شهرها هجوم آوردند و باعث ازدحام بیشتر در جلو نانوائی‌ها شدند.^۱ یا اینکه برخی از نانواها قسمتی از آرد سهمیه‌ای خود را به جای تبدیل کردن به نان در بازار آزاد فروختند و در ازای آن، آرد جو، ذرت، خاک اره و حتی شن و ماسه به آرد اضافه کردند.^۲ دولت برای مقابله با این مشکلات اقداماتی انجام داد، از جمله نانوائی‌های متقلب را مجازات کرد و بر قیمت نان افزود تا نانوائی‌ها نان را با قیمت بالاتر و سود بیشتر به مردم بفروشند و تمایلی به فروش غیرقانونی آرد در بازار آزاد و اضافه کردن مواد زائد به آرد نداشته باشند. اما هیچ کدام از این اقدامات نتوانست جلو تخلفات را بگیرد.^۳

در چنین شرایطی وزارت خواربار تصمیم گرفت نان را هم جیره‌بندی و مانند قند و شکر، از طریق کوپن میان مردم توزیع کند. شریدان در سخنرانی مفصلی که در ۱۰ آذر ۱۳۳۱ دربارهٔ اوضاع کلی خواربار کشور کرد، جیره‌بندی نان را برای رفاه و آسایش مردم ضروری دانست و در مورد میزان سهمیهٔ نان هر یک از افراد کشور گفت: «جیره‌بندی روزانهٔ نان برای کارگران ۸۰۰ گرم و برای مردم عادی ۴۰۰ گرم و برای کودکان ۲۰۰ گرم تعیین شده و البته این مقدار زیاد نیست، ولی برای تأمین نان تهران و چند شهر دیگر این اقدام لازم بود.»^۴ چنانکه خود شریدان اذعان کرده بود، نه تنها میزان سهمیهٔ نان برای ایرانیان که غذای اصلی آنها را تشکیل می‌داد، کافی نبود، بلکه مشکل کمبود و کیفیت پایین نان همچنان لاینحل باقی ماند و روز به روز بر وخامت اوضاع افزوده شد، تا جایی که سرانجام به غائلهٔ ۱۷ آذر ۱۳۳۱ منتهی شد.^۵ هرچند در وقوع این حادثه، عوامل سیاسی دیگری نیز دخیل بود، بحران نان و خواربار در شروع و بروز آن نقش زیادی داشت.^۶

دربارهٔ مسئلهٔ انحصار و جیره‌بندی کالاها که عمدتاً از سوی وزارت خواربار و با مشورت و مشاورهٔ شریدان انجام می‌گرفت، باید گفت که اشکالات و ایرادات این طرح در زمان حضور شریدان در ایران، همانند دورهٔ قبل و بعد از آن، همچنان حل نشده باقی ماند و او نتوانست برای کاستن از مشکل بی‌نظمی و تبعیض در توزیع کوپن و کالا، تقلب و سوءاستفادهٔ عاملان پخش، کمبود و کیفیت پایین اجناس توزیعی

۱. همان، ش ۵۰۴۸ (۱۳۲۱/۸/۱۸)، ص ۱.

۲. سر ریدر بولارد و سر کلارمونت اسکراین، شترها باید بروند!، ترجمهٔ حسین ابوترابیان (تهران: نشر نو، ۱۳۶۳)، ص ۸۹؛ سر کلارمونت اسکراین، جنگ جهانی در ایران، ترجمهٔ غلامحسین صالح‌بیار (بی‌جا: نشر سلسله، ۱۳۶۳)، ص ۲۹۲-۲۹۳.

۳. آرتور میلیسو، آمریکایی‌ها در ایران (خاطرات دوران جنگ جهانی دوم)، ترجمهٔ عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران: نشر البرز، ۱۳۷۰)، ص ۱۴۰.

۴. اطلاعات، ش ۵۰۷۱ (۱۳۲۱/۹/۱۱)، ص ۱.

۵. میلیسو، ص ۶۶.

۶. در مورد بلوای نان بنگرید به: ابوالحسن عمیدی نوری، یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار: تحولات نیم قرن تاریخ معاصر ایران، به کوشش مختار حدیدی و جلال فرهنگمند، ج ۲ (تهران: مؤسسهٔ مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴)، ص ۴۹-۵۴؛ فرخ، ص ۵۵۵؛ انور خامه‌ای، خاطرات سیاسی (تهران: نشر گفتار، ۱۳۷۲)، ص ۲۸۶؛ عباس مسعودی، اطلاعات در ربع قرن (اطلاعات، ۱۳۳۹)، ص ۲۳۲؛ حسین آبدیان، «غلات و زندگی اجتماعی مردم ایران در جنگ جهانی دوم»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، س ۱، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، ص ۱-۲۰.

و خرید و فروش کوبین و اجناس جیره‌بندی شده در بازار آزاد اقدام مفیدی انجام دهد.^۱ در عدم موفقیت شریدان در موضوع انحصار و جیره‌بندی، علاوه بر اشتباهات و تقصیرات خود او، عوامل متعدد دیگری نیز دخیل بودند که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود: ۱. هرج و مرج و ناامنی ناشی از استعفای رضاشاه و ضعف حکومت مرکزی. در زمان حضور شریدان در ایران حکومت مرکزی قدرت و نیروی لازم را برای مقابله با محتکران، قاچاقچیان و دیگر متخلفان جامعه و اجرای قوانین و تصمیمات اتخاذ شده نداشت. ۲. ساختار معیوب اداری و مالی. در دوره رضاشاه، به دلیل اقتدار او، ساختار بسیاری از امور معیوب بود، اما در زمان اشغال کشور و استعفای او، بسیاری از کارمندان ادارات و عاملان تهیه و توزیع کالا زمینه را برای تخلف و تقلب فراهم دیدند.^۲ ۳. فقدان کالا و لزوم واردات از خارج. در زمان مورد بحث، برخی از اقلام خواربار ایران همچون قند، شکر، چای و روغن وارداتی بود، یا بخشی از آنها از خارج وارد می‌شد که با شروع جنگ و ناامنی در جهان و اختصاص اغلب وسایل باری به جنگ، امکان خرید و حمل کالا به ایران با مشکلات اساسی روبه‌رو شد. ۴. فقدان وسایل حمل و نقل کافی در داخل. با وقوع جنگ و اشغال ایران توسط متفقین، آنها بخش زیادی از وسایل حمل و نقل کشور را در بخش ریلی و جاده‌ای، اعم از واگن‌های راه‌آهن و کامیون‌ها و غیره، به استخدام و استثمار خود درآوردند تا برای حمل تجهیزات جنگی به شوروی و رفع دیگر نیازهای خود استفاده کنند. بنابراین، در صورت وجود غلات در مناطق حاصل خیز یا کالا در بنادر کشور، امکانات لازم برای حمل و توزیع آنها فراهم نبود.^۳ ۵. عدم همکاری متفقین. آنها که خودشان با اشغال کشور مسبب اصلی وضعیت موجود بودند، نه تنها به خاطر تأمین نیازهای غذایی خود و مهاجران لهستانی از خواربار ایران، باعث کمبود و گرانی بیشتر کالاها می‌شدند، بلکه با جلوگیری از انتقال محصول مناطق غله‌خیز ایران، مثل آذربایجان، به مناطق مرکزی و انتقال آن به شوروی، استفاده از وسایل حمل و نقل ایران و کاستن از ارزش پول ملی کشور، بر مشکلات موجود می‌افزودند و به‌رغم وعده و وعید فراوان، چندان کمکی به واردات و جابه‌جایی کالاها نمی‌کردند.^۴ ۶. اختلافات سیاسی. در چنان اوضاع آشفته‌ای، دولت، دربار و مجلس به جای همکاری در حل مشکلات، به رقابت و درگیری با یکدیگر مشغول بودند که نمونه بارز آن حوادث ۱۷ آذر ۱۳۲۱ بود. همین اختلافات و کارشکنی‌ها کار تهیه و توزیع خواربار را با مشکل مواجه می‌کرد.^۵ ۷. قحطی و خشکسالی. در سال آبی ۱۳۲۰ میزان بارندگی به شدت پایین آمد و خشکسالی گسترده‌ای تمام مناطق

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ش ۹۷/۲۹۳/۱۷۴۸، ص ۲۷؛ ش ۲۴-۱۳۴۸۹/۱۳۲۲/۶/۲۶، ص ۱۷.

۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ش ۲۴۰/۱۸۵۴۰، ص ۳؛ میلسپو، ص ۱۱۷.

۳. ایران در اشغال متفقین، ص ۳۵۵-۳۵۶.

۴. جورج لنزوسکی، رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل راتین (تهران: انتشارات جاویدان، ۲۵۳۶)، ص ۲۹۵.

۵. فخرالدین عظیمی، بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری (تهران: نشر البرز، ۱۳۷۲)، ص ۶۳-۶۴.

کشور را دربرگرفت. بنابراین، محصول خرمن سال ۱۳۳۱ بسیار کمتر از حد انتظار بود. البته بی‌انگیزگی کشاورزان در کشت محصول در پاییز ۱۳۳۰ هم مزید بر علت بود.^۱ بدین ترتیب، در سال ۱۳۳۱ کشور با کمبود شدید کالا و به تبع آن تورم و گرانی بالا روبه‌رو بود. شریدان دقیقاً در همین زمان به‌عنوان مستشار خواربار وارد ایران شد و نتوانست با غلبه بر انبوه مشکلات، کارنامه درخشانی از خود به یادگار بگذارد. البته در اینجا ذکر این نکته لازم است که سیاست شریدان در افزایش حوزه انحصار و جیره‌بندی کالاها و دخالت در سیستم اقتصادی عرضه و تقاضا، در مقایسه با میلسپو متعادل‌تر بود. میلسپو که با انحلال وزارت خواربار و رفتن شریدان از ایران، وظیفه تهیه و توزیع کالاهای خوارباری را نیز مانند کالاهای غیر خوارباری بر عهده گرفت، نه تنها برنج، جو، پنبه و دیگر کالاهای خوارباری و غیر خوارباری را به فهرست کالاهای انحصاری و جیره‌بندی اضافه کرد، بلکه تمام جوازهایی را هم که در زمان شریدان برای خرید و انتقال گندم توسط خانوارهای تهرانی صادر شده بود، لغو کرد و به این ترتیب، دامنه انحصار و جیره‌بندی را بیش از دوره شریدان گسترش داد.^۲

راه‌اندازی نان سیلو

شریدان و وزارت خواربار وقتی دیدند نمی‌توانند مشکل کمبود و گرانی نان، ازدحام و درگیری مردم در جلو نانوائی‌ها و تخلف نانوایان در افزودن مواد اضافی غیرمجاز به آرد را حل نمایند، تصمیم گرفتند پخت نان تهران و به دنبال آن سایر شهرهای بزرگ را در یک جا جمع کنند و به جای نانوائی‌های متعدد، یک نانوائی مرکزی راه‌اندازی کنند تا نان مورد نیاز مردم را با استفاده از آرد دولتی بپزند و در مراکز پخش در نقاط مختلف شهر توزیع کنند.^۳ میلسپو، رئیس کل دارایی ایران، در خاطرات خود در این باره می‌نویسد: «شاه سابق [رضاشاه] یک انبار بزرگ بتونی گندم که ایرانیان سیلو می‌نامیدند، در حومه تهران ساخته بود که در آن یک آسیاب مخصوص آرد کردن گندم مجهز به ماشین‌های مدرن مستقر بود. به‌منظور درهم شکستن قدرت نانوائیان و تقلب آنها، مستشار وزارت خواربار یک نانوائی در سیلو تأسیس کرد.»^۴ پخت نان سیلو از ۲۰ بهمن ۱۳۳۱ در نانوایان سیلوی تهران شروع شد و در همان روز نخست تعداد ده هزار نان هشتصد گرمی تهیه گردید و در سه نقطه شهر در اختیار عموم قرار گرفت. نظر شریدان و وزارت خواربار بر این بود که به تدریج بر تعداد محل‌های فروش و میزان تهیه نان سیلو افزوده شود و از تحویل آرد به نانوائی‌ها خودداری گردد تا دکان‌های نان‌پزی شهر رفته‌رفته تعطیل و کارگران آنها در نانوایان

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ش ۳۱۰/۰۰۲۷۹۷، ص ۲.

۲. اطلاعات، ش ۵۲۳۵ (۱۳۳۲/۵/۱۰)، ص ۱.

۳. همان، ش ۵۱۰۷ (۱۳۳۱/۱۲/۴)، ص ۱.

۴. میلسپو، ص ۱۴۰.

مرکزی مشغول کار شوند. نان در سیلو به وزن ۸۰۰ گرمی، ۴۰۰ گرمی و ۲۰۰ گرمی تهیه می‌شد تا هر کس مطابق کوپنی که در دست دارد نان خود را دریافت کند. آردی که در نانوآخانه سیلو مصرف می‌شد، همان آردی بود که به دکان‌های نانوایی داده می‌شد. گرچه نان سیلو در ابتدا با نان نانوایی‌ها قابل مقایسه نبود و از لحاظ جنس و کیفیت بهتر بود.^۱ شریدان که خودش پیشنهاددهنده و بنیانگذار نانوایی مرکزی بود، در دفاع از کیفیت نان سیلو می‌نویسد: «نانی که اینک در نانوایی‌های مرکزی پخت می‌شود و به نام (نان سیلو) معروف شده، از حیث جنس و برشتگی و طعم موجبات رضایت عامه را فراهم آورده... اینکه می‌بینیم در چند مرکزی که نان سیلو می‌فروشند جمعیت انبوه می‌شود، البته به سبب خوبی جنس نان است.»^۲ اما به تدریج، به دلیل خرابکاری کارگران نانوایی و دلایل فنی و سیاسی دیگر، از کیفیت نان سیلو کاسته شد. میلیسو که بعد از رفتن شریدان همه وظایف او را به دست گرفته بود، در مورد کیفیت نان سیلو که محصول کار هموطن خودش بود، می‌نویسد: «کیفیت نان سیلو بسیار بد بود. سنگین بود، درون آن از خمیری نام‌آکول پر شده بود و پوسته‌ای به سختی سمند [= سیمان] داشت و آرد آن مخلوطی بود از آرد جو با بیش از درصد عادی به همراه تکه‌های نخ و شن‌ریزه و ماسه.»^۳ با این حال، راه‌اندازی نانوآخانه مرکزی تا حدودی توانست مشکلات کمبود نان تهران را حل نماید.^۴ روزنامه اطلاعات در گزارشی عملکرد دو ماهه نانوآخانه مرکزی را این‌گونه ارزیابی می‌کند: «چند روز است نان تهران چه از حیث کمیت و چه از حیث کیفیت بهتر شده و همین بهبود نان تا اندازه‌ای در بهای مواد مختلف خواربار تأثیر نموده و تنزلی در قیمت‌ها حاصل گردیده است. نان فعلی تهران ۷۰ درصد گندم خالص و ۳۰ درصد ذرت و جو می‌باشد.»^۵ با برداشت محصول سال جدید که فراوانی آن زبازند عام و خاص بود، به تدریج از مشکلات کمبود نان و سایر مواد خواربار کاسته شد و نان سیلو و دیگر نانوایی‌ها کیفیت بهتری پیدا کرد، اما در این زمان شریدان ایران را ترک کرده بود.

دریافت کمک از متفقین و کمیته تدارکات خواربار خاورمیانه

در میان عوامل متعدد استخدام مستشاران امریکایی، یکی از دلایل اصلی تقریب و تسهیل رابطه با متفقین و استفاده از کمک‌های آنها در خرید و حمل کالا از خارج و سهمیه کالاهایی بود که براساس قانون وام و اجاره دولت امریکا به دولت‌های دوست و متحد داده می‌شد.^۶ متفقین نیز علاوه بر حفظ

۱. اطلاعات، ش ۵۰۹۶ (۱۳۲۱/۱۱/۲۱)، ص ۲.

۲. همان، ش ۵۱۰۷ (۱۳۲۱/۱۲/۴)، ص ۱.

۳. میلیسو، ص ۱۵۱.

۴. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ش ۳۱۰/۰۰۲۸۲۸ (۱۳۲۱/۱۱/۱)، ص ۶۵.

۵. اطلاعات، ش ۵۱۴۱ (۱۳۲۲/۱/۲۲)، ص ۱.

۶. گذشته، چراغ راه آینده است، به کوشش پژوهش گروهی جامی (تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۱)، ص ۱۷۹.

منافع و اجرای سیاست‌های خود از طریق مستشاران، گزارش‌های آنها از وضعیت ذخیره و موجودی کالاها در ایران را مبنای تصمیم‌گیری و عمل خود برای ارسال کالا به ایران قرار می‌دادند. چنانکه وزیر خارجه انگلیس در پاسخ به درخواست حسن تقی‌زاده، سفیر ایران در لندن، برای ارسال ۲۵ هزار تن گندم می‌گوید: «اگر مستشار امریکایی وزارت ارزاق [خواربار] تصدیق کند که نقصانی در آذوقه خواهد بود، هر اقدامی که ممکن است به عمل بیاورند.»^۱ تاریخ این درخواست اوایل آبان ۱۳۲۱ است، یعنی زمانی که شریدان تازه یک ماه است به ایران آمده و هنوز قرارداد استخدامش به تصویب مجلس نرسیده است. شریدان، برخلاف انتظار ایرانیان، به جای بیان گزارشی واقعی از فقر و قحطی در کشور و درخواست کمک از متفقین، آنها را تبریّه و ایرانیان را متهم می‌کند. او، همچون دیگر دولتمردان متفقین، محصول ایران را برای مصرف داخلی کافی و احتکار، قاچاق، سودجویی، اسراف و بی‌تدبیری خود ایرانیان را مسبب اصلی وضعیت موجود می‌داند و آنها را به قناعت، صرفه‌جویی، جیره‌بندی و مجازات محتکران و متخلفان تشویق می‌نماید.^۲ اما حقیقت این است که کمبود شدید خواربار در سال ۱۳۲۱ که خشکسالی نیز بر شدت آن افزوده بود، قابل انکار نبود و در نهایت، خود را در غائله نان در ۱۷ آذر ۱۳۲۱ نشان داد.^۳ بعد از این حادثه بود که شریدان کمبود ارزاق و پیامدهای آن را جدی گرفت. متفقین نیز برای حفظ ثبات و امنیت و جلوگیری از بروز حوادث مشابه که احتمالاً ارسال تسلیحات و تدارکات به شوروی را با مشکل مواجه می‌ساخت، مقداری گندم به ایران فرستادند.^۴ با این حال، میزان خوارباری که به ایران ارسال کردند، در مقایسه با خوارباری که خود و مهاجران لهستانی استفاده و قاچاق می‌کردند، بسیار ناچیز بود، اما آنها میزان استفاده خود را انکار و در مورد کمک اندک خود مبالغه و تبلیغ می‌کردند.^۵ شریدان در یکی از بیانه‌های خود می‌نویسد:

اینک بدین وسیله می‌خواهم هر گونه شایعات را راجع به عدم مساعدت شوروی‌ها با ما در خصوص خواربار تکذیب کنم. مقامات نظامی بریتانیا نیز نظر به وخامت اوضاع از ذخیره خودشان در بصره کمک آنی و عاجل برای حمل پنج هزار تن گندم و جو می‌نمایند و این پنج هزار تن طی همین چند روزه به ما خواهد رسید و نیز از امریکا هم هر ماهه پنج هزار تن گندم بارگیری و برای ما حمل می‌شود و به‌وسیلهٔ جهازات خواهد رسید و قاعدتاً باید پنج هزار تن اولی

۱. اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، ج ۳، ص ۲۶۴.

۲. اطلاعات، ش ۵۰۷۱ (۱۳۲۱/۹/۱۱)، ص ۱.

۳. احمد امیراحمدی، خاطرات نخستین سپهبد ایران احمد امیراحمدی، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد (تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳)، ص ۴۹۱.

۴. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ش ۳۱۰/۰۰۲۷۹۷ (۱۳۲۱/۱۰/۱)، ص ۶؛ ایران در اشغال متفقین، ص ۳۰۳.

۵. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ش ۲۹۰/۱۱۶۰، ص ۲۴؛ میلیسو، ص ۱۴۱.

در همین ماه به ایران برسد.^۱

بیانیه شریدان نشان می‌دهد هنوز چیزی به ایران نرسیده و بیشتر به وعده و وعید گذشته است. دیگر اینکه، بعد از رسیدن این کالاها به بنادر ایران، کامیون‌های زیادی برای حمل آنها به مناطق قحطی‌زده نیاز بود، اما وزارت خواربار چنین امکانی را نداشت و اغلب کامیون‌ها و واگن‌های راه‌آهن در اختیار متفقین بود که برای حمل تجهیزات به شوروی از آنها استفاده می‌کردند.^۲ بیانیه دیگر شریدان در یک ماه بعد مؤید همین موضوع است:

راجع به ذخیره گندم و تأمین مصرف آینده اکنون می‌توانم به عموم اهالی محترم اطمینان بدهم گندمی که دولت آمریکا و دولت انگلیس موافقت کرده‌اند تحویل دهند تدریجاً در کار رسیدن به بنادر ایران است و با وجود ازدیاد و تراکم نقلیات راه‌آهن اینجانب به‌وسیله مأمورین مسئول انگلیس و امریکا اطمینان حاصل کرده‌ام که همه روزه جنس به مقدار کافی برای مصرف پایتخت و ذخیره به تهران خواهد رسید.^۳

این وعده و وعیدها زمانی داده می‌شد که اولاً به تدریج زمان برداشت محصول سال جدید در مناطق جنوبی ایران فرا می‌رسید و دوران قحطی، با فراوانی محصول آن سال، به پایان خود نزدیک می‌شد. ثانیاً، بسیاری از این غلات وارد شده به مصرف نیروهای متفقین می‌رسید. ثالثاً، بخشی از این غلات به دلیل مخلوط بودن با شیشه پس داده شد. در نامه شریدان به نخست‌وزیر آمده است: «با تأسف بسیار به استحضار خاطر مبارک می‌رساند که از قرار گزارش ریاست امور سیلوه‌ها، آرد متعلق به انگلیس که از بصره برای ما حمل شده است مملو از شیشه می‌باشد. درصدد اقدامات لازم برای پس دادن آرد مزبور به ارتش انگلیس می‌باشیم.»^۴

درباره عملکرد شریدان در کمک گرفتن از کمیته تدارکات خاورمیانه نیز باید گفت که هرچند او در مصاحبه با/اطلاعات، از موفقیت خود در متقاعد کردن متفقین برای اعطای پنج هزار تن قند، سیصد کامیون پنج تنی و افزایش سهمیه چای و قماش سخن گفت،^۵ اما حقیقت این است که اولاً بخش زیادی از این کالاها هرگز وارد ایران نشد.^۶ ثانیاً شریدان در زمان عزیمتش از ایران در پیامی که برای چاپ در نشریات ارائه داد، خوراک یک ساله مردم ایران را یک میلیون خوراک تعیین کرد و محصول گندم و جو

۱. اطلاعات، ش ۵۰۷۸ (۱۳۲۱/۱۱/۱)، ص ۱.

۲. فرخ، ص ۵۳۲.

۳. اطلاعات، ش ۵۱۰۷ (۱۳۲۱/۱۲/۴)، ص ۱.

۴. ایران در اشغال متفقین، ص ۳۱۱.

۵. اطلاعات، ش ۵۱۷۹ (۱۳۲۲/۳/۴)، ص ۱.

۶. مشروح مذاکرات مجلس، دوره ۱۴، جلسه ۱۷.

سال ۱۳۲۲ را هفت و نیم خروار پیش‌بینی نمود و نتیجه گرفت که ایران می‌تواند شش میلیون خروار مازاد موجود را به متفقین بفروشد.^۱ در حالی که میزان محصول مورد نیاز جمعیت تقریباً ۱۲ میلیونی ایران در آن زمان حدود ۵/۵ میلیون خروار گندم بود.^۲ همین آمارهای اشتباه شریدان باعث شد که متفقین با استناد به آنها از پرداخت سهمیه ایران در کمیته تدارکات خواربار خاورمیانه طفره ببرند. بنابراین، می‌توان گفت شریدان در این قضیه نیز عملکرد چندان موفق‌تری نداشت.

انحلال وزارت خواربار و پایان کار شریدان در ایران

شریدان در اوایل تیرماه ۱۳۲۲ با ارسال نامه‌ای به نخست‌وزیر تقاضا کرد که قرارداد استخدام او تجدید نشود، زیرا قصد دارد پس از پایان مدت یک سال از قرارداد استخدامش به امریکا برگردد. او در این نامه پیشنهاد داد وزارت خواربار منحل و به اداره‌های کوچک زیر نظر میلسپو تبدیل شود:

چون اشکالات مربوط به تأمین خواربار که در سال گذشته وجود داشت از هر جهت مرتفع گردیده و مخصوصاً کمک‌هایی از طرف متفقین شده و همچنین محصول فراوانی که امسال در تمام نقاط کشور وجود دارد و با نقشه‌ای که تهیه شده به جمع‌آوری محصول پرداخته‌اند وجود وزارت خواربار با تشکیلات کنونی زائد می‌باشد... اگر این وزارتخانه به صورت یک اداره یا سازمان کوچکی تحت نظر آقای میلسپو قرار گیرد وظایف خود را به نحو احسن انجام خواهد داد.^۳

ادعاهای شریدان در خصوص رفع اشکالات تأمین خواربار به آن صورتی که او ادعا می‌کرد، صحت نداشت و در همان زمان، گزارش‌های متعددی از کمبود و گرانی خواربار و اختلال در جیره‌بندی نان، قند، شکر، چای و برنج در مناطق مختلف کشور داده می‌شد.^۴ اما، در عمل، جریان امور به همان صورتی پیش رفت که او در نامه‌اش به نخست‌وزیر پیشنهاد داده بود. به این صورت که نخست‌وزیر علی سهیلی در ۲۳ تیر ۱۳۲۲ با تقدیم لایحه‌ای یک ماده‌ای به مجلس، انحلال وزارت خواربار و ضمیمه شدن آن به وزارت دارایی را درخواست کرد.^۵ یک هفته بعد از ارائه لایحه به مجلس، در حالی که هنوز نمایندگان تکلیف آن را روشن نکرده بودند، شریدان با صدور اعلامیه‌ای بیان کرد که «دیگر وزارت خواربار وجود خارجی نخواهد

۱. اطلاعات، ش ۵۲۵۷ (۱۳۲۲/۶/۶)، ص ۲.

۲. ستاره، ش ۱۶۱۱ (۱۳۲۲/۶/۱۷)، ص ۱.

۳. اطلاعات، ش ۵۲۱۱ (۱۳۲۲/۴/۱۱)، ص ۱.

۴. همان، ش ۵۲۲۲ (۱۳۲۲/۴/۲۳)، ص ۱.

۵. قانون انحلال وزارت خواربار: ماده واحده-مجلس شورای ملی به دولت اجازه می‌دهد که از تاریخ تصویب این قانون وزارت خواربار را منحل و سازمان آن را ضمیمه وزارت دارایی نماید (اطلاعات، ش ۵۲۲۲، ۱۳۲۲/۴/۲۳)، ص ۱.

داشت و این وزارتخانه عبارت خواهد بود از اداره کل غله که زیر نظر رئیس کل دارایی قرار می‌گیرد. این تغییر بر اثر توصیه خود اینجانب صورت گرفت... دکتر میلسپو از راه تلافی از اینجانب تقاضا نمود طی مدتی که هنوز در ایران خواهم بود ریاست این اداره را عهده‌دار شوم.^۱ سه روز بعد از صدور اعلامیه شریدان، میلسپو با صدور چهاردهمین آیین‌نامه تثبیت قیمت‌ها اعلام کرد همه کارها و مسئولیت‌های وزارت خواربار به موجب قانون ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۲ به او اعطا گردیده است و شریدان رئیس قسمت غله و نان خواهد شد.^۲ شریدان در منصب جدید به مدت یک ماه خدمت کرد و در ۲۴ مرداد جای خود را به هموطنش فارست کرافورد^۳ داد و در پنج شهریور نیز ایران را به مقصد امریکا ترک کرد.

شریدان در زمان عزیمت پیمای را برای چاپ به روزنامه‌ها داد و در آن از عملکرد یازده ماهه خود در ایران دفاع کرد.^۴ گرچه اسناد و مدارک موجود مؤید چنین ادعایی نیست. بیشتر مشکلات موجود در حوزه تهیه و توزیع خواربار و محصولات جیره‌بندی شده در زمان حضور او در ایران حل نشده باقی ماند و اگر در اواخر بهار ۱۳۲۲ گشایشی در برخی از امور دیده شد، بیشتر به دلیل برداشت محصول کم‌نظیر آن سال و رسیدن خبرهایی از تعیین تکلیف جنگ جهانی در برخی از جبهه‌ها بود که نشان از پایان قریب‌الوقوع آن داشت.^۵ وگرنه کارنامه شریدان در وزارت خواربار چندان قابل دفاع نبود. تدین، دومین و آخرین وزیر خواربار ایران، در نامه‌ای به وزیر دارایی به این موضوع اشاره می‌کند و توزیع کوبین اضافه نان در تهران را که باعث ایجاد تخلقات زیادی شده بود، تقصیر شریدان می‌داند. او در مورد وضعیت تأمین نان نیز می‌نویسد: «به تصدیق تمام اهل تهران قبل از تصدی اینجانب به وزارت خواربار وضع نان تهران و تمام کشور در نتیجه عملیات شریدان به قدری خراب بوده که نزدیک بود تولید فساد بزرگ نماید و اینجانب با زحمات طاقت‌فرسا توانستم وضعیت را اصلاح کنم.»^۶ گفته‌های تدین به دلیل اختلافاتش با شریدان نمی‌تواند سند محکمی برای تحلیل عملکرد شریدان باشد. اما حقیقت این است که دیگر اسناد و منابع موجود نیز عملکرد او را چندان قابل دفاع نمی‌دانند. البته شرایط بحرانی زمان حضور شریدان در ایران را نباید از نظر دور داشت. در هر حال، شریدان بعد از یازده ماه فعالیت در ایران و پیش از اینکه مدت قرارداد سه‌ساله‌اش به اتمام برسد، در ۵ شهریور ۱۳۲۲ ایران را ترک کرد.

۱. همان، ش ۵۲۲۷ (۱۳۲۲/۴/۳۰)، ص ۱.

۲. همان، ش ۵۲۲۹ (۱۳۲۲/۵/۲)، ص ۱.

3. Forest Crawford

۴. اطلاعات، ش ۵۲۵۷ (۱۳۲۲/۶/۶)، ص ۴.

۵. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ش ۲۹۶/۲۴۰۰۳ (۱۳۲۲/۶/۸)، ص ۷۸.

۶. اطلاعات، ش ۵۲۷۳ (۱۳۲۲/۶/۲۳)، ص ۲.

نتیجه‌گیری

بررسی اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد شریدان در طول حضور یازده ماهه خود در ایران نتوانست عملکرد موفق‌تری داشته باشد و وعده‌هایش در زمان استخدام را عملی سازد. او در بسیاری از نامه‌ها، بیانیه‌ها و مصاحبه‌های خود عامل اصلی عدم اصلاح و بهبود امور را احتکار، قاچاق، تقلب، بی‌تدبیری، اسراف و تجمل‌گرایی خود ایرانیان بیان کرد و آنها را به صبر، صداقت، قناعت، صرفه‌جویی، ساده‌زیستی و مجازات محتکران و متخلفان فراخواند. در مقابل، از عملکرد خود و متفقین که مسبب اصلی نابه‌سامانی اوضاع بودند، دفاع کرد و مساعدت آنها را در اعطای خواربار و وسایل حمل و نقل به ایران در روزهای قحطی زمستان ۱۳۲۱ عامل اصلی گذر از بحران موجود اعلام نمود و ایرانیان را به خاطر نادیده گرفتن چنین الطاف سخاوتمندانه و مؤثری سرزنش کرد. غافل از اینکه متفقین مسبب اصلی بسیاری از اتفاقات ناگوار در ایران بودند، در صورتی که اگر می‌خواستند و سرنوشت مردم ایران برایشان مهم بود، می‌توانستند بخش زیادی از مشکلات مزبور را حل نمایند. اما واقعیت این است که هدف اصلی آنها از ارسال مستشار به ایران، نه حل مشکلات و معضلات موجود، بلکه تسلط بر امور داخلی ایران برای حفظ منافع خودشان بود. مستشاران خارجی، از جمله شریدان، با حمایت متفقین به تصمیم‌گیران اصلی کشور تبدیل شده بودند و همه امور طبق نظر و، به طریق اولی، خواست آنان انجام می‌شد. بنابراین، دلیل اصلی اینکه در زمان حضور مستشاری آنها در ایران بهبودی در وضعیت مالی و اداری کشور حاصل نشد و بر حدت و شدت مشکلات نیز افزوده شد، عملکرد ضعیف و سودجویانه مستشاران خارجی و دولت‌های متبوعشان بود. این موضوع در مورد شریدان هم صادق است. در زمان حضور او در ایران مشکل کمبود و گرانی نان و خواربار و مشکلات جیره‌بندی قند، شکر، چای و برنج حل نشد و اقدامات شریدان در این زمینه، از قبیل افزودن بر قیمت دولتی کالاها، گسترش حوزه انحصار و جیره‌بندی کالاهای اساسی، راه‌اندازی نان سیلو و دریافت کمک از متفقین و کمیته تدارکات خواربار خاورمیانه، مؤثر واقع نشد. اگر در ماه‌های آخر حضور شریدان گشایشی در برخی از امور دیده شد و کمیت و کیفیت نان بهتر از قبل گردید و از قیمت برخی از کالاها کاسته شد، بیشتر به دلیل برداشت محصول کم‌نظیر آن سال و رسیدن خبرهای خوب از جبهه‌های جنگ بود. البته در بررسی کارنامه شریدان در نظر نگرفتن وضعیت بحرانی ایران و جهان در زمان حضور او در ایران و تأثیر این شرایط بر عملکرد او دور از انصاف است. زیرا در سال ۱۳۲۱ درگیری‌های شدید در جبهه‌های جنگ، قحطی و خشکسالی در ایران، اختلاف شدید میان دولت، مجلس و دربار و سوءاستفاده سودجویان از وضعیت داخلی و بین‌المللی، اصلاح اوضاع نابه‌سامان موجود را برای هر کسی دشوار می‌ساخت و این عوامل در عملکرد ضعیف شریدان در وزارت خواربار بی‌تأثیر نبود.

کتابنامه

- آبادیان، حسین. «غلات و زندگی اجتماعی مردم ایران در جنگ جهانی دوم»، تحقیقات تاریخ اجتماعی، س ۱، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱-۲۰.
- اسکرین، سر کلارمونت. جنگ جهانی در ایران، ترجمه غلامحسین صالحیار، بی‌جا: نشر سلسله، ۱۳۶۳.
- اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم. به کوشش علیرضا روحانی و ابوالفضل ایزدی‌زاده، ج ۳، تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۹.
- اطلاعات، ش ۵۰۱۰ (۱۳۲۱/۷/۶)، ص ۱؛ ش ۵۰۲۲ (۱۳۲۱/۷/۲۱)، ص ۱؛ ش ۵۰۲۴ (۱۳۲۱/۷/۲۳)، ص ۱؛ ش ۵۰۳۴ (۱۳۲۱/۸/۳)، ص ۱؛ ش ۵۰۳۹ (۱۳۲۱/۸/۹)، ص ۱؛ ش ۵۰۴۰ (۱۳۲۱/۸/۹)، ص ۱؛ ش ۵۰۴۸ (۱۳۲۱/۸/۱۸)، ص ۱؛ ش ۵۰۷۱ (۱۳۲۱/۹/۱۱)، ص ۱؛ ش ۵۰۷۴ (۱۳۲۱/۹/۱۴)، ص ۱؛ ش ۵۰۷۸ (۱۳۲۱/۱۱/۱)، ص ۱؛ ش ۵۰۹۶ (۱۳۲۱/۱۱/۲۱)، ص ۲؛ ش ۵۱۰۷ (۱۳۲۱/۱۲/۴)، ص ۱؛ ش ۵۱۴۱ (۱۳۲۲/۱/۲۲)، ص ۱؛ ش ۵۱۷۷ (۱۳۲۲/۳/۲)، ص ۱؛ ش ۵۱۷۹ (۱۳۲۲/۳/۴)، ص ۱؛ ش ۵۲۱۱ (۱۳۲۲/۴/۱۱)، ص ۱؛ ش ۵۲۲۲ (۱۳۲۲/۴/۲۳)، ص ۱؛ ش ۵۲۲۷ (۱۳۲۲/۴/۳۰)، ص ۱؛ ش ۵۲۲۹ (۱۳۲۲/۵/۲)، ص ۱؛ ش ۵۲۳۵ (۱۳۲۲/۵/۱۰)، ص ۱؛ ش ۵۲۵۷ (۱۳۲۲/۶/۶)، ص ۲؛ ش ۵۲۷۳ (۱۳۲۲/۶/۲۳)، ص ۲؛ ش ۵۶۴۴ (۱۳۲۳/۹/۲۹)، ص ۴.
- الهی، همایون. اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، ج ۳، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹.
- امیراحمدی، احمد. خاطرات نخستین سپهبد ایران/ احمد/ امیراحمدی، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ایران در اشغال متفقین: مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۲۴-۱۳۱۸. به کوشش صفاءالدین تبراییان، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱.
- بولارد، سر ریدر و سر کلارمونت اسکرین. شترها باید بروند!، ترجمه حسین ابوترابیان، ج ۲، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳.
- خامه‌ای، انور. خاطرات سیاسی، تهران: نشر گفتار، ۱۳۷۲.
- خان ملک (یزدی)، محمد. ارزش مساعی ایران در جنگ ۱۹۳۹-۱۹۴۵، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- ذوقی، ایرج. ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، ج ۲، تهران: پازنگ، ۱۳۶۸.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما). ش سند ۳۱۰/۰۰۲۷۹۷ (۱۳۲۱/۱۰/۱)، ص ۳؛ ش ۳۱۰/۰۰۲۷۹۷ (۱۳۲۱/۱۰/۱)، ص ۶؛ ش ۳۱۰/۰۰۲۸۲۸ (۱۳۲۱/۱۱/۱)، ص ۶۵؛ ش ۲۹۶/۲۴۰۰۳ (۱۳۲۲/۶/۸)، ص ۷۸؛ ش ۲۴۰/۱۳۴۸۹ (۱۳۲۲/۶/۲۶)، ص ۱۷؛ ش ۹۷/۲۹۳/۱۷۷۴۸ (۱۳۲۴/۹/۱۸)، ص ۲۷؛ ش ۲۴۰/۴۵۸۳۳ (۱۳۲۴/۹/۱۸)، ص ۲؛ ش ۲۹۰/۱۱۶۰، ص ۲۴؛ ش ۲۴۰/۸۸۵۴۰، ص ۳؛ ش ۳۱۰/۰۰۲۷۹۷، ص ۲.
- ستاره، ش ۱۶۱۱ (۱۳۲۲/۶/۱۷)، ص ۱.
- شوکت، حمید. در تیررس حادثه: زندگی سیاسی قوام‌السلطنه، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۶.
- عظیمی، فخرالدین. بحران دموکراسی در ایران ۱۳۲۰-۱۳۳۲، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نودری، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۲.
- عمیدی نوری، ابوالحسن. یادداشت‌های یک روزنامه‌نگار: تحولات نیم قرن تاریخ معاصر ایران، به کوشش مختار

- حدیدی و جلال فرهمند، ج ۲، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴.
- فرخ (معتصم السلطنه)، مهدی. *خاطرات سیاسی فرخ (معتصم السلطنه): تاریخ پنجاه ساله معاصر ایران*، بی‌جا: جاویدان، بی‌تا.
- کیهان، ش ۵۱ (۱۳۳۱/۵/۲)، ص ۱.
- گذشته، چراغ راه آینده است. پژوهش گروهی جامی، چ ۳، تهران: انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۱.
- لنزوسکی، جورج. *رقابت روسیه و غرب در ایران*، ترجمه اسماعیل رائین، تهران: انتشارات جاویدان، ۲۵۳۶.
- مسعودی، عباس. *اطلاعات در ربع قرن*، تهران: اطلاعات، ۱۳۳۹.
- مشروح مذاکرات مجالس شورای ملی و اسلامی، نسخه دوم، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی، دوره ۱۳، جلسه ۷۹؛ دوره ۱۳، جلسه ۸۳؛ دوره ۱۳، جلسه ۹۹؛ دوره ۱۳، جلسه ۱۰۹؛ دوره ۱۴، جلسه ۱۷.
- مکی، حسین. *تاریخ بیست ساله ایران*، ج ۸، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- میلسپو، آرتور. *آمریکایی‌ها در ایران (خاطرات دوران جنگ جهانی دوم)*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر البرز، ۱۳۷۰.